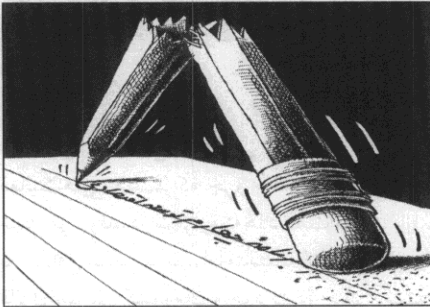


۶۰ سال برنامه ریزی در ایران

تاریخچه برنامه ریزی در ایران: از ۱۳۲۵ تا برنامه چهارم



همراه با شکل گیری نظام جامع تأمین اجتماعی، اصلاحات قانونی و نهادی، لغو انحصارات برای فراهم شدن زمینه های مشارکت بخش خصوصی و کاهش تصدی گری دولت، در سه مرحله طراحی گردید. گفتنی است، این برنامه از این نظر با دو برنامه قبل متفاوت بود که انجام همه امور، دیگر نیازی به سیر تصویب قانونی در مجلس شورای اسلامی را نداشت.

برنامه چهارم

اما برنامه چهارم در قالب ترسیم چشم انداز آینده در افق بلندمدت و با سرمشق 'رشد پایدار اقتصادی مبتنی بر محور دانایی و رویکرد جهانی'، به منظور اصلاح ساختارها و فرآیندهای جامعه تهیه و تدوین شده است. در واقع، این برنامه برخلاف برنامه سوم که اصلاح ساختار کشور را با رویکرد داخلی مدنظر قرار داده بود، با رویکرد جهانی برای اصلاح ساختار کشور، تدوین شده است. به علاوه، ترسیم چشم انداز بلندمدت، از دیگر خصوصیات مهم این برنامه است. برنامه چهارم توسعه در سه سطح تهیه و تدوین گردیده است.

سطح اول: این سطح شامل لایحه برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی می باشد که از ۷ بخش، ۱۵ فصل و ۲۴۷ ماده تشکیل گردیده است. این لایحه پس از تصویب هیأت وزیران، توسط رئیس جمهور به مجلس ششم شورای اسلامی تقدیم شد. اما هم اکنون این لایحه در مجلس هفتم در حال بررسی است.

سطح دوم: این سطح مربوط به سند برنامه می شود که شامل سند های توسعه بخشی، ویژه (فرابخشی) و استانی است. در این سطح، کلیه دستگاه های اجرایی موظفند، اسناد توسعه بخش مربوط به خود را تهیه و تدوین کرده و به تصویب هیأت وزیران برسانند. این اسناد نیز مبنای اصلی تهیه و تنظیم برنامه ها و بودجه های سالانه قرار

راهدرد آزادسازی اقتصادی* و با هدف سرمایه گذاری دولت برای بازسازی خسارات جنگ و بهره برداری حداکثر از ظرفیت های موجود، شروع شد. در این راستا، رشد اقتصادی از اساسی ترین نیازهای توسعه ملی به حساب آمد و سیاست های اقتصادی مؤثر بر افزایش تولید، در اولویت قرار گرفت.

برنامه دوم توسعه کشور (۷۸-۱۳۷۴)، مطابق اهداف و سیاست های اعلام شده در اسناد آن، مبتنی بر آزادسازی اقتصادی و خصوصی سازی تهیه گردید. در این برنامه نیز رشد و توسعه اقتصادی از اصلی ترین اهداف کشور تلقی شد. به دلیل بهره برداری از ظرفیت های بلااستفاده موجود در سال های برنامه اول، نیل به رشد اقتصادی مطلوب در این برنامه، مستلزم سرمایه گذاری در زمینه های جدید اقتصادی گردید.

مشکلات ساختاری گریبان گیر دو برنامه اول و دوم توسعه، نگاه اجتماعی به مسایل اقتصادی در داخل، سیاست تنش زدایی در روابط بین الملل و بهبود روابط در آپک و ارایه طرح سامان دهی اقتصاد کشور در سال ۱۳۷۷، منجر به شکل گیری سرمشق اصلاح ساختار اقتصادی با رویکرد داخلی* در برنامه سوم توسعه (۱۳۸۳-۱۳۷۹) گردید. مهم ترین ویژگی برنامه سوم، شناخت چالش های اساسی فرآیند توسعه اقتصادی کشور و سعی در فراهم ساخت الزامات تحقق یک توسعه پایدار بوده است.

براین اساس، برنامه سوم با راهبرد اصلاحات اقتصادی مبتنی بر رویکرد توسعه اقتصاد رقابتی* از طریق حرکت به سمت آزادسازی نظام اقتصادی،

کشورمان حدود ۶۰ سال سابقه برنامه ریزی عمرانی دارد. تا قبل از پیروزی انقلاب اسلامی، کشورمان ۵ برنامه عمرانی را تجربه کرد. اولین بار در سال ۱۳۲۵ دولت وقت ایران با تشکیل کمیسیون برنامه* که بعدها به سازمان برنامه و بودجه تبدیل شد، توجه خود به برنامه ریزی را نشان داد. در واقع، تدوین برنامه های توسعه در ایران از سال ۱۳۲۶ آغاز گردید.

آخرین برنامه عمرانی قبل از انقلاب، برنامه عمرانی پنجم بود که طی سال های ۵۶-۱۳۵۲ اجرا گردید. در اواخر سال ۵۱، سازمان برنامه به سازمان برنامه و بودجه تغییر نام یافت. این تغییر موجب تحول نظام بودجه ریزی و واگذاری آن به سازمان جدید گردید. اهداف کلی برنامه عمرانی پنجم، ارتقای سطح دانش و فرهنگ و بهداشت و رفاه جامعه، توزیع عادلانه درآمد، حفظ رشد سریع و مداوم اقتصادی، تأمین اشتغال، بهبود نظام اداری و حفاظت از محیط زیست بود.

با پایان یافتن جنگ تحمیلی و شروع دهه دوم انقلاب، زمینه های تحول در اقتصاد کشور از یک سو و ضرورت بازسازی اقتصاد درهم شکسته کشور و ایجاد زمینه های لازم برای بهبود وضعیت زندگی مردم از سوی دیگر، نمایان تر گشت. در این شرایط، کشورمان در قالب برخورد مرحله ای با نیازهای جامعه و ضرورت توسعه کشور، ابزار برنامه ریزی میان مدت را در قالب برنامه های پنج ساله توسعه، از سال ۱۳۶۸ انتخاب و آغاز کرد.

برنامه پنج ساله اول توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی در دوره ۷۲-۱۳۶۸، با انتخاب

برنامه های توسعه بعد از انقلاب

برنامه	دوره	اهداف	اولویت ها	راهبرد
اول	۷۲-۱۳۶۸	بازسازی خسارات جنگ تحمیلی، حداکثر بهره برداری از ظرفیت های موجود	سیاست های مؤثر بر افزایش تولید، افزایش رشد اقتصادی، بهره برداری از ظرفیت های بلا استفاده	آزادسازی اقتصادی
دوم	۷۸-۱۳۷۴	افزایش رشد و توسعه اقتصادی	سرمایه گذاری در زمینه های جدید اقتصادی	آزادسازی اقتصادی و خصوصی سازی
سوم	۸۳-۱۳۷۹	رشد اقتصادی، شکل گیری نظام جامع تأمین اجتماعی، کاهش تصدی گری دولتی	شناخت چالش های اساسی فرآیند توسعه اقتصادی کشور، اصلاحات قانونی و نهادی	اصلاح ساختار اقتصادی با رویکرد داخلی، توسعه اقتصاد رقابتی، آزادسازی نظام اقتصادی، لغو انحصارات
چهارم	۸۸-۱۳۸۴	اصلاح ساختارها و فرآیندهای جامعه با رویکرد جهانی و شکل گیری بنیان های اقتصاد دانایی محور	ترسیم چشم انداز بلندمدت، رشد پایدار اقتصادی مبتنی بر محور دانایی و رویکرد جهانی و افزایش بهره وری عوامل تولید	اصلاح ساختار اقتصادی با رویکرد جهانی و رقابت پذیری اقتصاد

استخراج: واحد تحقیقات ماهنامه «اقتصاد ایران» از تحقیقات دکتر اسفندیار جهانگرد.

خواهند گرفت. به موازات، شوراهای برنامه ریزی استان ها، با همکاری و تعامل کلیه دستگاه های استانی، برنامه پنج ساله استان را تهیه و به تصویب نهایی هیأت وزیران می رسانند.

سطح سوم: سند برنامه چهارم شامل تهیه آیین نامه های اجرایی و مدیریت اجرای سندهای توسعه است که تسهیل کننده اجرای احکام برنامه می باشد.

ظرفیت ها و استعدادها

اقتصاد ایران با وجود دارا بودن پتانسیل ها و ظرفیت های قابل توجه، با چالش های مختلفی روبرو است. همین پتانسیل ها و چالش ها منجر به شکل گیری مبانی چشم انداز بلندمدت برنامه چهارم توسعه شده است. برخی از ظرفیت های مهم شرایط فعلی کشورمان عبارتند از:

- وجود منابع غنی نفت و گاز.
- استقلال سیاسی.
- نیروی انسانی متخصص.
- تنوع اقلیمی در ۱۴ اقلیم گوناگون.
- دسترسی به بازارهای منطقه ای و جهانی و امکان نقش آفرینی منطقه ای.

درمقابل، کشورمان همچنان از برخی ضعف ها و چالش ها رنج می برد. برخی از مهم ترین این چالش ها، به شرح زیر هستند:

- نازل بودن سطح درآمد سرانه و پایین بودن میزان رشد اقتصادی طی دو دهه گذشته، که به طور متوسط ۳/۹ درصد بوده است.

- وابستگی اقتصاد کشور به نفت و عدم شکل گیری بنیان های تولید مبتنی بر اقتصاد دانایی، در راستای دستیابی به رشد مستمر اقتصادی.

- پایین بودن بهره وری عوامل تولید و عدم توجه جدی به نقش بهره وری در توسعه پایدار کشور.

- بالا بودن جمعیت بیکار، انعطاف ناپذیری بازار کار و ساختار نامتعادل بیکاری معطوف به جوانان و زنان.

- ساختار انحصاری فعالیت های تصدّی گری دولت، همراه با سیاست مداخله گرایانه و حمایتی بخش عمومی و کاهش رقابت و رقابت پذیری در اقتصاد کشور.

- توسعه نامتوازن منطقه ای و عدم استفاده از ظرفیت های بالقوه مناطق.

- ناکارآمدی نظام اداری و اجرایی کشور و بزرگ و بی قواره شدن دولت و اتکا به ساختارهای انگیزشی غیر مؤثر و تفکر غیر علمی در اداره عمومی کشور.

- پیوند نامتقارن با اقتصاد جهانی به دلیل سهم قابل ملاحظه نفت در ترکیب صادرات کشور.

- پراکندگی و ناکارآمدی نظام تأمین اجتماعی، به دلیل عدم جامعیت در ارائه خدمات و همگانی نبودن نظام تأمین اجتماعی.